

دیتالاین

فصلنامه

انجمن علمی علم اطلاعات و دانش‌شناسی

شماره اول بهار ۱۴۰۵



دیتالاین ، آینده آنلاین



انجمن علمی علم اطلاعات و دانش‌شناسی

فصل نامه دیتالاین

شماره اول ، بهار ۱۴۰۵

صاحب امتیاز: انجمن علمی علم اطلاعات
و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند

استاد مشاور نشریه: دکتر مهسا ترابی

مدیر مسئول: امیرحسین خسروی چهکند

سرمدیر: زهرا آراسته

صفحه‌آرا: علی احمدی

هیئت تحریریه: دکتر مهسا ترابی،
امیرحسین خسروی چهکند، زهرا آراسته،
حمیدرضا درمحمدی مقدم، متین
ترابی مقدم، فاطمه آریامنش، سارا نوری،
فاطمه بصیری، فؤاد رزوینی

فهرست

سخن سردبیر | ۳

از اندیشه تا قلم | ۴

سرمقاله | ۷

حرف روز | ۱۰

سازماندهی اطلاعات در ایران | ۱۳

قفسه باز | ۱۶

از تئوری تا اجرا | ۱۹

چرا کتابخانه‌های تخصصی ما هنوز سنتی
می‌مانند؟ | ۲۲

وقتی همه‌چیز سرعت گرفت، حوصله کجا
رفت؟ | ۲۴

چهره ماندگار | ۲۶

کاغذ اخبار | ۲۸

صفر و یک | ۳۰

کاربردهای داده‌کاوی در علم اطلاعات | ۳۳

گنجینه | ۳۶

دیتالاین

آینده آنلاین



سخن سردبیر



به قلم زهرا آراسته
دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی
دانشگاه بیرجند

شما نخستین شماره از نشریه علمی، فرهنگی و اجتماعی «دیتالاین» را پیش رو دارید؛ نشریه‌ای که از دل دغدغه‌های مشترک ما در شناخت مسیرهای تبدیل داده به اطلاعات، و اطلاعات به دانش، شکل گرفته است.

«دیتالاین» کوششی است برای مکتبی مؤثر در جریان پرشتاب زندگی علمی و دانشگاهی و روشن کردن راه‌هایی که فهم ما از جهان اطلاعات را شکل می‌دهند. این نشریه جایی است برای شنیدن صدای دانشجوی؛ صدایی پرسشگر، اندیشمند و روایت‌گر، که تجارب شخصی، تحلیل‌ها و نگاه‌های علمی خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد. ما معتقدیم هر تجربه، هر مشاهده و هر گفت‌وگویی، حلقه‌ای از زنجیره‌ای است که از داده آغاز شده و به درک عمیق‌تر دنیای پیرامون ما می‌رسد.

در این شماره کوشیده‌ایم به پرسشی بنیادین بپردازیم:

چگونه داده‌های پراکنده، به اطلاعات معنادار بدل می‌شوند و همین اطلاعات زیرساخت دانش ما را می‌سازند؟

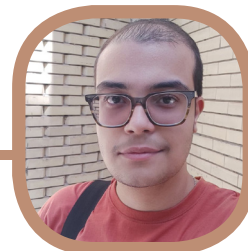
از نگاه‌های دانشجویی تا دیدگاه‌های اساتید، تلاش کرده‌ایم ابعاد تازه‌ای از این فرایند را ترسیم کنیم؛ فرایندی که جان‌مایه رشته ما و هویت «دیتالاین» است.

امیدواریم این شماره آغاز حرکتی باشد که در آن دانش، فرهنگ و زندگی دانشجویی کنار هم قرار می‌گیرند و فرصتی فراهم می‌آورند برای تأمل و گفت‌وگویی انسانی‌تر و دقیق‌تر درباره جهان اطلاعات.

در پایان، از همراهی صمیمانه اعضای تیم تحریریه که با خلاقیت و تلاش‌شان روشنایی مسیر «دیتالاین» را پررنگ‌تر کردند سپاسگزارم و از شما خوانندگان عزیز که با همدلی و توجه خود به این تلاش معنا می‌بخشید نیز قدردانی می‌کنم.

با آرزوی روشنی در اندیشه‌ها و فراخی افق‌ها.





داده: واقعیت‌های خام و بی‌ساختار

«داده» سرآغاز هر دانستنی است. زمانی که واقعیت‌های خام،

در گفت‌وگوهای روزمره و حتی در نوشته‌های علمی، واژه‌هایی مانند داده، اطلاعات و دانش بسیار به کار می‌روند؛ اما کمتر پیش می‌آید که کاربران از این اصطلاحات، برداشت روشن و یکسانی داشته باشند. در نگاه نخست، این تفاوت شاید جزئی و کم‌اهمیت به نظر برسد، اما در علوم اطلاعات و حوزه‌های پژوهشی، شناخت دقیق این





می‌آید. حتی در برخی رویکردها، اطلاعات نوعی پدیده زبان‌شناختی در نظر گرفته می‌شود؛ به این معنا که ساختار گزاره‌ای جملات یا مجموعه‌ای از جملات را شامل می‌شود. با این وجود، شاید جامع‌ترین تعریف آن باشد که اطلاعات داده‌های پردازش شده و سودمندی است که به حل مسائل

اطلاعات: معنا یافتن داده در بستر زمینه

مفهوم اطلاعات در رشته‌ها و حوزه‌های گوناگون معانی متفاوتی پیدا کرده است. این واژه در علوم چون ستاره‌شناسی، زیست‌شناسی، مهندسی برق، پزشکی، علوم رفتاری، اقتصاد و علوم انسانی کاربرد دارد و هر حوزه، مطابق دیدگاه خود

و نمی‌توان از آنها برای تحلیل یا تصمیم‌گیری بهره گرفت. داده‌ها از دو مسیر اصلی تولید می‌شوند:

۱. مشاهده و ثبت پدیده‌ها در محیط بیرونی؛

۲. تولید از طریق آزمایش‌ها و عملیات درون یک نظام.



یا تصمیم‌گیری کمک می‌کند.

دانش: مرتب‌های عمیق‌تر از فهم

«دانش» مرحله‌ای فراتر از اطلاعات است. هرچند با داده و اطلاعات ارتباط دارد؛ اما ماهیت آن متفاوت است. دانش، ترکیبی سازمان‌یافته از داده‌ها و اطلاعات است که در خلال تجربه، تفکر و تمرین، درونی و شخصی می‌شود. به طور

جنبه‌ای از این پدیده چند وجهی را برجسته می‌کند. از منظر شناختی، اطلاعات می‌تواند هر تغییری باشد که در باورها، اندیشه‌ها یا الگوهای ذهنی فرد ایجاد می‌شود. از نگاه دیگر، اطلاعات، حاصل تعامل تجربی انسان با جهان پیرامون است؛ یعنی آگاهی و هوشیاری‌ای که از مشاهده، تجربه و تحلیل پدید

پس از تولید، داده‌ها معمولاً در اسناد یا پایگاه‌های اطلاعاتی ذخیره می‌شوند. در صورتی که فاقد ارزش تشخیص داده شوند، ممکن است به‌جای نگهداری، حذف شوند. داده‌های ذخیره شده نیز پیش از ورود به مرحله پردازش، اصلاح و ارزیابی می‌شوند تا مشخص شود آیا قابلیت تبدیل به اطلاعات را دارند یا باید از چرخه خارج شوند.

معمول، دانش نتیجه فرایندهایی همچون مطالعه، پژوهش، مشاهده و تجربه است. در این مرحله، فرد نه تنها اطلاعات را دریافت می‌کند، بلکه آن را تفسیر می‌نماید و با مهارت‌ها، تجربه‌ها و توانمندی‌های خود درمی‌آمیزد. از این رو، دانش نوعی آگاهی عمیق و معنادار است؛ آگاهی‌ای که به فرد اجازه می‌دهد مسائل را بفهمد، تبیین کند و پیش‌بینی‌هایی معتبر ارائه دهد. ویژگی‌های دانش از دیدگاه مک درمات

برای تمایز بیشتر دانش از اطلاعات، مک درمات شش ویژگی اساسی برای دانش برمی‌شمارد:

۱. دانش حاصل فعالیت انسان است.

۲. دانش از فرایند تفکر سرچشمه می‌گیرد.

۳. ماهیتی غیرفوری و گاه غیرمنتظره دارد.

۴. می‌تواند نتیجه خرد جمعی باشد.

۵. به شیوه‌های گوناگون در میان افراد جریان می‌یابد.

۶. دانش جدید بر پایه دانش پیشین شکل می‌گیرد.

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که دانش فراتر از داده‌ها و اطلاعات است و ساختاری پویا، انسانی و خلاقانه دارد.

در نهایت، می‌توان گفت که تمامی دانستنی‌های انسان از داده‌ها و

واقعیات خام آغاز می‌شوند. با افزودن زمینه و تحلیل، داده‌ها به اطلاعات تبدیل می‌شوند. هنگامی که اطلاعات در فرایند استنباط و تفسیر قرار گیرد، آگاهی شکل می‌گیرد و زمانی که این آگاهی باتجربه و یقین درآمیزد، به دانش تبدیل می‌شود. این سیر تدریجی، مسیر اصلی تولید معنا در ذهن انسان و بنیان بسیاری از پیشرفت‌های علمی و فکری بشر است؛ مسیری که از واقعیت خام آغاز می‌شود و به فهم عمیق و آگاهانه می‌انجامد.

منبع: داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۲). تحلیلی بر تبدیل داده به اطلاعات و دانش. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴(۱)، ۷۱.





از داده تا اطلاعات: نقش هوش مصنوعی و تحلیل داده در تولید دانش در عصر دیجیتال



به قلم دکتر مهسا ترابی
عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه بیرجند

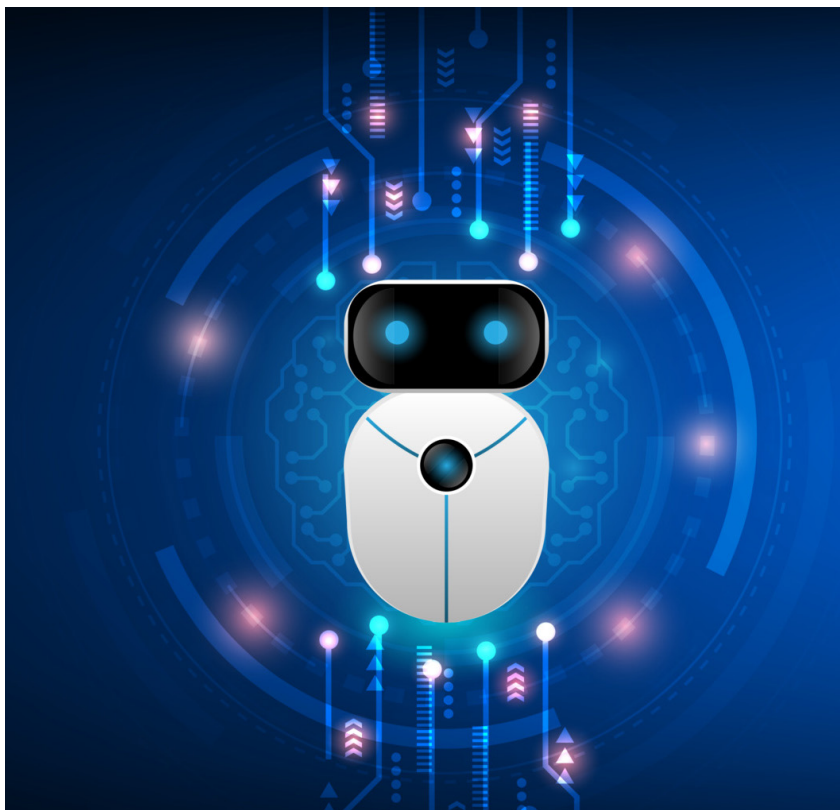
تولید اطلاعات را به شکلی خودکار و هوشمند تسهیل سازند.

در کنار این تحولات، مهندسی پرامپت (prompt engineering) نیز به عنوان یکی از مهارت‌های نوظهور در تعامل انسان و ماشین مطرح شده است. این مهارت به کاربران امکان می‌دهد تا از مدل‌های زبانی برای تبدیل داده‌های متنی به خروجی‌های ساختاریافته،

داده‌های ناقص، نامنظم یا آلوده به نویز (noise) می‌توانند به تولید اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده منجر شوند. در سال‌های اخیر، با توسعه فناوری‌های نوین و به ویژه ظهور هوش مصنوعی، این فرایند با سرعت، دقت و مقیاس‌پذیری بیشتری انجام می‌شود. سامانه‌های هوشمند قادرند حجم عظیمی از داده‌ها را تحلیل کرده، الگوهای پنهان را شناسایی کنند و در نتیجه،

در عصر دیجیتال، داده (data) به منزله بنیادی‌ترین مؤلفه زیست‌جهان اطلاعاتی انسان‌ها، از جایگاهی محوری برخوردار است. داده‌ها مجموعه‌ای از واقعیت‌های خام، پراکنده و بدون تفسیرند که به تنهایی واجد معنا و کارکرد تصمیم‌ساز نیستند. این داده‌ها از منابع متنوعی همچون شبکه‌های اجتماعی، سامانه‌های اطلاعاتی، حسگرها و تعاملات انسانی تولید می‌شوند و به دلیل حجم بالا، تنوع ساختاری و سرعت تولید، نیازمند پردازش، پالایش و سازمان‌دهی‌اند. تنها زمانی که داده‌ها در یک بستر مشخص قرار گیرند و از خلال فرایندهای تحلیلی و تفسیرپذیر پردازش شوند، به اطلاعات تبدیل می‌شوند. اطلاعات در واقع داده‌های معنادار و هدفمندی هستند که قابلیت به کارگیری در تصمیم‌گیری، حل مسئله و تولید دانش را دارند.

فرایند تبدیل داده به اطلاعات در علوم داده (data science)، فرایندی چندمرحله‌ای و وابسته به کیفیت است که از گردآوری داده آغاز می‌شود و تا تفسیرنهایی ادامه می‌یابد. اعتبار و کارآمدی خروجی این فرایند، به طور مستقیم به کیفیت داده‌های ورودی وابسته است؛ زیرا

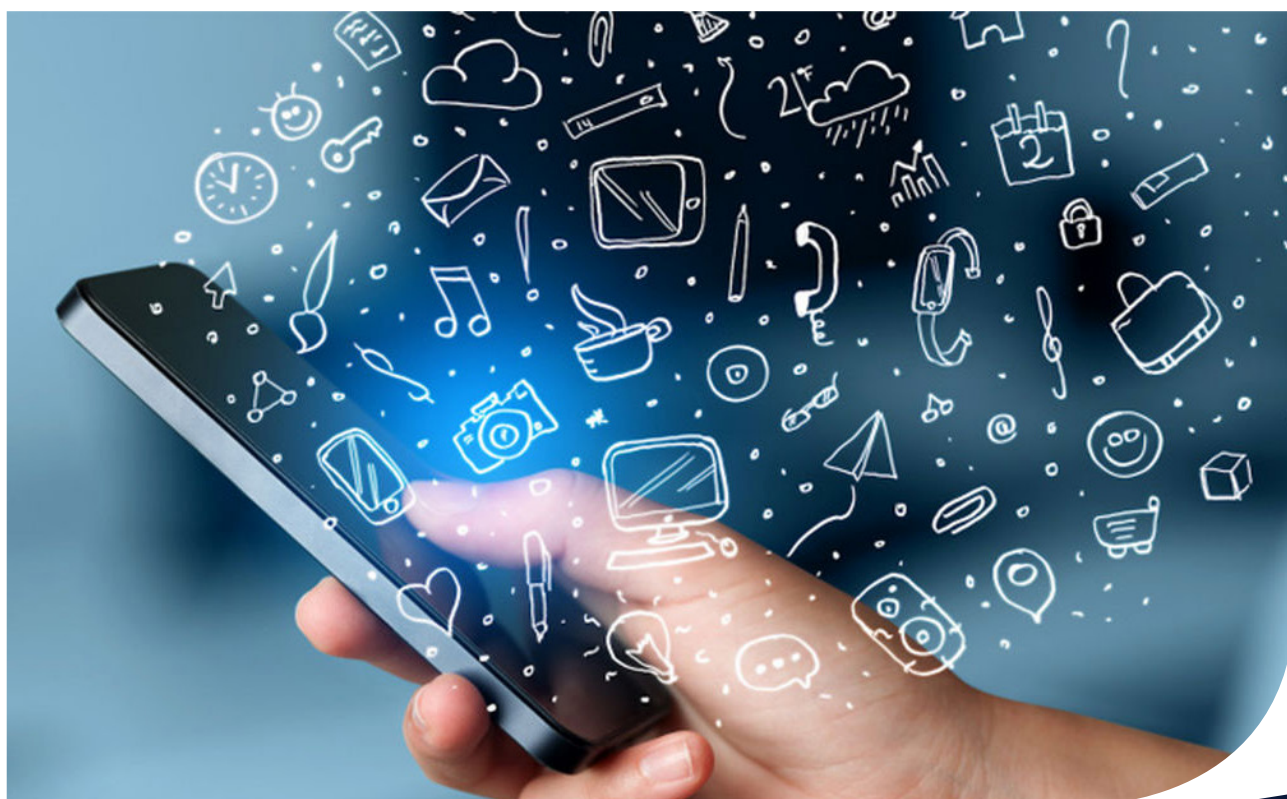


در حوزه پژوهش‌های علمی، داده‌ها زیربنای تولید مقاله، استنتاج علمی و شکل‌گیری دانش جدید به‌شمار می‌روند. پژوهشگران با گردآوری داده‌های تجربی، تحلیل نظام‌مند آن‌ها و استخراج الگوها و روابط معنادار، به تولید اطلاعات تازه‌ای دست می‌یابند که می‌تواند به توسعه مرزهای دانش کمک کند. این فرایند در نگارش مقالات علمی نقشی اساسی دارد؛ زیرا یافته‌های پژوهشی، زمانی ارزش علمی می‌یابند که به‌صورت منسجم، مستند و قابل تفسیر ارائه شوند. در سال‌های اخیر، ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی نیز نقش پررنگی در

در سامانه‌های پیشرفته‌ای مانند مدل‌های زبانی بزرگ، داده‌های متنی در مقیاس وسیع پردازش می‌شوند و در نهایت به اطلاعاتی تبدیل می‌گردند که برای انسان قابل فهم و قابل استفاده است. این قابلیت، نه تنها فرایند دسترسی به دانش را تسهیل می‌کند، بلکه امکان تحلیل سریع‌تر و عمیق‌تر محتوای متنی را نیز فراهم می‌سازد. با این حال، کارآمدی این فرایند تا حد زیادی به نحوه ساختاردهی اطلاعات وابسته است. ارائه مناسب داده‌های پردازش‌شده، به‌ویژه در قالب‌های علمی، تحلیلی و محتوایی، می‌تواند درک مخاطب را افزایش داده و اثربخشی ارتباط

علمی را تقویت کند.

در نهایت، اطلاعات حاصل از پردازش داده‌ها نقشی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، علمی و اجتماعی ایفا می‌کنند. سازمان‌ها و نهادهای برپایه این اطلاعات، راهبردهای خود را تدوین کرده و مسیرهای آینده را ترسیم می‌کنند. از این رو، داده به‌تنهایی ارزشی محدود دارد؛ اما در فرایند تبدیل به اطلاعات، به یک دارایی راهبردی و ارزشمند بدل می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت که جهان معاصر بر چرخه‌ای پویا میان داده، اطلاعات و دانش استوار است؛ چرخه‌ای که هرچه ابزارهای پردازش آن پیشرفته‌تر شوند، کیفیت و دقت اطلاعات تولیدشده نیز افزایش خواهد یافت و این امر در آینده علوم، فناوری و حکمرانی دانشی نقشی بنیادین خواهد داشت.





منابع



موبایل‌ها و جای خالی حافظه انسانی



به قلم امیرحسین خسروی چهکنند
دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند



تا به حالا شده بخوای یه شماره
تلفن رو حفظ کنی، بعد وسطش
بگی «ولش کن، سیوش می‌کنم»؟

یا بخوای یه آدرس رو یادت بمونه
ولی سریع بری توی گوگل مپ؟

واقعیت اینه که کم‌کم داریم یه
تغییر جدی توی زندگی‌مون تجربه
می‌کنیم؛ اینکه دیگه خیلی از چیزها
رو حفظ نمی‌کنیم، چون مطمئنیم
یک چیزی هست که همیشه برامون
نگهش می‌داره: گوشی‌هامون.

قبلاً آدم‌ها شماره‌ها رو حفظ بودن،
آدرس‌ها تو ذهنشون بود، حتی
خیلی چیزهای ساده روزمره رو
هم به خاطر می‌سپردن. ولی الان
چی؟ الان خیلی وقت‌ها حتی اسم
یک نفر رو هم سریع توی گوشی
ذخیره می‌کنیم که دیگه درگیر
حفظ کردنش نشیم. تا حدودی
انگار داریم بخشی از حافظه‌مون رو
منتقل می‌کنیم به گوشی‌ها. هرچی
لازم داریم یا فکر می‌کنیم شاید
بعداً به درد بخوره، سریع عکس
می‌گیریم، یادداشت می‌کنیم، سیو
می‌کنیم یا توی یه اپ می‌ذاریم.
این کار از یک طرف خیلی هم خوبه.





به مشکل می‌خوریم. مثلاً وقتی اینترنت نباشه یا شرایط سریع جواب بخوایم، اون موقع تازه معلوم می‌شه چقدر روی حافظه خودمون حساب کردیم. یک نکته دیگه هم اینه که مغز ما مثل عضله‌ست. اگه کمتر ازش استفاده کنیم، ضعیف‌تر می‌شه. وقتی همه‌چیز رو می‌سپاریم به گوشی، در واقع کمتر تمرین می‌کنیم که چیزها رو به خاطر بسپاریم یا تحلیل کنیم. از اون طرف، یک مشکل دیگه هم هست؛ شلوغی اطلاعاتی. ما خیلی چیزها رو ذخیره می‌کنیم ولی واقعاً ازشون استفاده نمی‌کنیم. چند تا عکس توی گوشی‌ت هست که هیچ‌وقت دوباره نگاهشون نکردی؟ چند تا نوت داری که حتی یادت نیست چرا نوشتی؟

این یعنی ما فقط در حال جمع کردن هستیم، نه استفاده کردن.

یک نکته جالب اینه که تکنولوژی باعث شده ما بیشتر روی سرعت تمرکز کنیم تا عمق. یعنی سریع به جواب برسیم، ولی کمتر عمیق فکر کنیم. این موضوع توی زندگی روزمره، درس، حتی تصمیم‌گیری‌هامون هم تاثیر گذاشته. با همه اینا، نمی‌شه گفت این اتفاق کاملاً بده. گوشی‌ها و ابزارهای دیجیتالی واقعاً زندگی رو راحت‌تر کردن. مشکل از جایی شروع می‌شه که کاملاً بهشون وابسته بشیم. شاید راه درست این

هم ممکنه برات سخت بشه. این وابستگی فقط برای شماره و آدرس نیست. حتی توی درس خوندن هم وارد شده. خیلی وقتاً به‌جای اینکه یه مطلب رو یاد بگیریم، با خودمون می‌گیم «الان لازم نیست حفظ کنم، بعداً سرچ می‌کنم». یعنی عملاً یاد گرفتن تبدیل شده به یافتن سریع. این موضوع یک تغییر بزرگ توی سبک فکرکردن ما ایجاد کرده. الان بیشتر بلدیم «کجا پیدا کنیم» تا اینکه «چی بلد باشیم». این خودش یک مهارته، ولی اگه تنها مهارتمون باشه، یک جاهایی

چون دیگه لازم نیست ذهنمون رو با کلی اطلاعات جزئی شلوغ کنیم. مثلاً لازم نیست شماره‌ها یا تاریخ‌ها رو حفظ کنیم، در نتیجه ذهنمون آزادتر می‌شه برای چیزای مهم‌تر.

ولی یک سوال این وسط هست:

اگه این ابزارها نباشن چی؟

مثلاً فرض کن یک روز گوشی‌ت نباشه یا به هر دلیلی به اطلاعاتت دسترسی نداشته باشی. اون موقع تازه می‌فهمی چقدر بهش وابسته بودی. حتی ساده‌ترین چیزها





باشه که یک تعادل داشته باشیم. یعنی هم از
گوشی و تکنولوژی استفاده کنیم، هم مغزمون
رو فعال نگه داریم. مثلاً بعضی چیزهای مهم رو
حفظ کنیم، بعضی مسیرها رو بدون GPS بریم،
یا گاهی بدون کمک گوشی فکر کنیم.

در نهایت، شاید بشه اینطوری گفت که ما
حافظه‌مون رو کامل از دست ندادیم، ولی یه
بخش مهمی ازش رو سپردیم به گوشی‌هامون.
حالا سوال اصلی اینه: این انتخاب آگاهانه بوده
یا کم‌کم اتفاق افتاده؟





سازماندهی اطلاعات در ایران



به قلم فاطمه آریامنش
دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند



اطلاعات نیمه‌ساختاریافته (Semi-structured data): آن دست از اطلاعاتی هستند که فاقد ساختار مشخص هستند، اما تگ‌ها و نشانگرهایی جهت تفکیک عناصر معنایی دارند، مانند فایل‌های XML و JSON.

اطلاعات بدون ساختار (Un-structured data): اطلاعاتی هستند که ساختار از پیش تعیین شده ندارند و تفسیر آن‌ها نیازمند شیوه‌های پیچیده است، مانند متن

تولیدی به شکل چشمگیری روبه‌افزایش است، بنابراین مدیریت صحیح آن برای بقا و رشد سازمان‌ها و جوامع از اهمیت بالایی برخوردار است.

اطلاعات بر اساس معیارهای مختلف طبقه‌بندی کرد، از جمله:

اطلاعات ساختاریافته (Structured data): این دست از اطلاعات شامل اطلاعاتی است که در قالب جداول، پایگاه‌های داده و فرمت‌های مشخص ذخیره‌سازی می‌شوند، مانند اطلاعات مشتریان

امروزه، ارزشمندترین دارایی یک سازمان و جامعه، اطلاعات تلقی می‌شوند؛ بنابراین چگونگی نحوه سازماندهی، مدیریت و دسترسی به اطلاعات، در پیشبرد اهداف، تصمیمات خرد و کلان و حفظ مزیت رقابتی نقشی حیاتی را به عهده دارد.

اطلاعات مجموعه‌ای از داده‌های پردازش شده، تحلیل شده و سازماندهی شده است که معنا و مفهوم خاصی را منتقل می‌کند. در عصر دیجیتال، حجم اطلاعات



نامه‌ها، ایمیل‌ها، تصاویر، ویدئوها، فایل‌های صوتی.

سازماندهی اطلاعات شامل فرایندهایی از قبیل جمع‌آوری، طبقه‌بندی، ذخیره‌سازی، نمایه‌سازی، بازیابی و اشاعه اطلاعات است. اصول کلیدی در این زمینه مشمول دقت، کامل‌بودن، به‌روز بودن، دسترس‌پذیری و امنیت اطلاعات است.

سازماندهی اطلاعات در ایران متحمل چالش‌های متعددی است. این چالش‌ها عبارت‌اند از:

فناوری و زیرساخت: عدم وجود زیر ساخت‌های کافی و به‌روز در برخی سازمان‌ها، کندی در پیاده‌سازی سیستم‌های نوین مدیریت اطلاعات و وابستگی به فناوری‌های خارجی، یکی از چالش‌های این حرفه است.

نیروی انسانی: کمبود متخصصان مجرب در این زمینه و نیز عدم آموزش کافی کارکنان نوپا و مقاومت در مقابل تحولات ایجاد شده در عصر دیجیتال، نیروی انسانی را ناکارآمد می‌سازد.

قوانین و مقررات: نبود مقررات دقیق چهارچوب‌های قانونی جامع و شفاف برای مدیریت داده‌ها، حفاظت از حریم خصوصی و امنیت اطلاعات.

فرهنگ سازمانی: عدم درک صحیح از اهمیت اطلاعات به‌عنوان یک دارایی استراتژیک و نگاه بخشی به داده‌ها از دیگر معضلات این حوزه است.

تنوع و حجم اطلاعات: افزایش روزافزون حجم و تنوع اطلاعات، به‌خصوص اطلاعات بدون ساختار،

پتانسیل نیروی انسانی: پیش‌تر درباره کمبودها و ناکارآمدی نیروی انسانی صحبت کردیم؛ اما در کنار تمامی این‌ها باید به وجود استعدادهای فراوان در حوزه فناوری اطلاعات و علاقه‌مندی جوانان به یادگیری و به‌کارگیری دانش روز اشاره کرد.

پیشرفت‌های فناوری: امکان بهره‌مندی از فناوری‌های روز جهان مانند هوش مصنوعی، کلان‌داده (Big data)، اینترنت اشیا (IoT) و پردازش ابری (Cloud Computing)

مدیریت آن‌ها را دشوار می‌سازد. **پراکندگی و عدم یکپارچگی:** عدم وجود سیستم‌های یکپارچه اطلاعاتی در سطح ملی و حتی در بسیاری از سازمان‌ها، به موازی‌کاری و اتلاف منابع و امکانات می‌انجامد.

با گذر از تمامی این موارد باید به‌خاطر داشت هر حوزه‌ای در کنار چالش‌ها و محدودیت‌های خود، فرصت‌ها و راهکارهایی برای عبور از آن‌ها و بهبود وضعیت نیز دارد که می‌توان به شرح ذیل نام برد:





است که سرمایه‌گذاری و بهبود زیرساخت‌ها و فناوری، توانمندسازی نیروی انسانی، تدوین قوانین جامع و ایجاد فرهنگ سازمانی حمایت‌گر را شامل می‌شود. اجرای راهکارهای پیشنهادی می‌تواند به ارتقای بهره‌وری، تسهیل تصمیم‌گیری و حفظ امنیت اطلاعات در کشور کمک شایانی نماید.

منبع:



پروژه‌های ملی: تعریف و اجرای پروژه‌های کلان ملی در حوزه سازماندهی اطلاعات، مانند ایجاد پنجره واحد اطلاعاتی یا سامانه‌های ملی بایگانی.

دیجیتال‌سازی: تسریع فرایند دیجیتال‌سازی اسناد و داده‌های موجود برای تسهیل دسترسی و مدیریت آن‌ها.

سازماندهی اطلاعات در ایران علی‌رغم چالش‌های متعدد، پتانسیل بالایی را برای تحول و بهبود داراست. غلبه بر موانع موجود نیازمند رویکردی چندوجهی

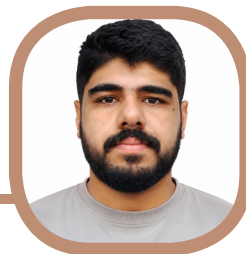
برای بهبود سازماندهی اطلاعات.

تدوین قوانین و استانداردها: بازنگری و تدوین قوانین و استانداردهای ملی در حوزه مدیریت و حفاظت از اطلاعات، مشابه استانداردهای بین‌المللی، ازجمله موارد ضروری و حیاتی در زمینه رفع چالش‌ها است.

آموزش و توانمندسازی: سرمایه‌گذاری بر آموزش مستر نیروی انسانی و ارتقای توانمندی‌ها و فرهنگ سازمانی در زمینه اهمیت اطلاعات، تأثیر بسیاری در ایجاد نیروی انسانی تازه‌نفس و کارآمدسازی آن‌ها دارد.



معرفی کتاب: «خوب نباش، کافی ست خودت باشی»



به قلم متین ترابی مقدم
دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه بیرجند

ماجرای «خوب بودن» که ما را خسته کرد

حتماً برایتان پیش آمده است، استاد یک کار اضافه به شما محول می‌کند و با وجود برنامه سنگین و شخصی، سرتان را پایین می‌اندازید و می‌گویید: چشم. دوستی درخواستی می‌کند که می‌دانید به ضررتان تمام می‌شود، اما باز هم «باشه» می‌گویید. در پروژه گروهی، سهم دیگران را هم شما انجام می‌دهید، چون نمی‌خواهید "به هم بخورد". در محیط کارآموزی، ساعات اضافی را بدون دریافت حقی قبول می‌کنید، چون می‌ترسید نظر سرپرستان نسبت به شما منفی شود.

این خوب بودن، در نگاه اول، یک فضیلت اخلاقی به نظر می‌رسد. به ما یاد داده‌اند که ادب یعنی نه گفتن به خواست دل، فداکاری یعنی گذشتن از نیاز خودمان و گذشت یعنی نادیده گرفتن خط قرمزهایمان. اما کتاب «خوب نباش، کافی ست خودت باشی» به ما هشدار می‌دهد: خوب بودن

NOT NICE

STOP PEOPLE PLEASING, STAYING SILENT, & FEELING GUILTY...

عزیز گازی پورا / ترجمه‌ی غزل راکی

کافی ست خودت باشی

خوب نباش





افراطی، یک بیماری خاموش است؛ بیماری‌ای که آرام‌آرام اعتماد به نفس ما را می‌خورد، انرژی ما را تحلیل می‌برد و در نهایت، ما را از خود واقعی‌مان دور می‌کند.

کتاب از چه قرار است؟

این کتاب را دکتر عزیز گازیپورا، روان‌شناس بالینی و فارغ‌التحصیل دانشگاه استنفورد، نوشته، به دست غزل راکی به ترجمه فارسی درآمده و توسط انتشارات **بذر خرد** منتشر شده است. نسخه اصلی این کتاب با عنوان Not Nice در سال ۲۰۱۷ منتشر شد و به سرعت به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های حوزه روان‌شناسی کاربردی در جهان تبدیل شد.

نویسنده معتقد است بسیاری از ما در دام خوب بودن افتاده‌ایم؛ بی‌آنکه خودمان بدانیم. همیشه نگرانیم دیگران چه فکری می‌کنند، نه گفتن برایمان سخت‌ترین کار جهان است، مدام در حال راضی نگه داشتن دیگران هستیم و در این میان خودمان را گم کرده‌ایم. گازیپورا در این کتاب نشان می‌دهد که تقریباً همه انسان‌ها به درجاتی از این بیماری مبتلا هستند، اما کسانی

که در خانواده‌های سخت‌گیر، فرهنگ‌های جمع‌گرا یا محیط‌های پر از قضاوت بزرگ شده‌اند، بیشتر در معرض آسیب هستند.

منشأ گرفتاری: هراس از پذیرفته نشدن

اما این «خوب بودن بیمارگونه» از کجا می‌آید؟ دکتر گازیپورا ریشه را در سه چیز می‌داند: ترس از طرد شدن از سوی دیگران، نگرانی دائم از قضاوت شدن و احساس گناه مزمن. مغز ما طوری تکامل یافته که تنها ماندن از گروه را با خطر مرگ برابر می‌داند. برای همین، بودن در کنار جمع را به خودمان بودن ترجیح می‌دهیم.

تأکید کتاب این نیست که آدم بد، بی‌ادب یا خودخواهی شوید؛ بلکه می‌گوید بیاموزید حریم شخصی‌تان را مشخص کنید، شجاعانه «نه» بگویید و بدون عذاب وجدان، خود حقیقی‌تان باشید.

کتاب هشت مهارت کلیدی را گام به گام آموزش می‌دهد؛ چیزهایی که معمولاً در کلاس‌های ارتباطات تدریس نمی‌شوند:

۱. «نه» گفتن بی‌دردسر - با «نه»‌های کوچک و بی‌خطر شروع کنید تا کم‌کم برایتان عادی شود.

۲. تعیین مرزها - نشانه‌های خستگی و دلخوری را در خود تشخیص دهید و صریحاً محدوده‌تان را اعلام کنید.

۳. مدیریت وجدان آزرده - وقتی «نه» می‌گویید و احساس گناه می‌کنید، آن را نشانه اشتباهاتان نبینید، بلکه علامت پیشرفت بدانید.

۴. تحمل ناراحتی دیگران - لازم نیست همه از دست شما خوشحال باشند، ظرفیت تحمل ناخشنودی دیگران را پرورش دهید؛ این مهم‌ترین اصلی است که کتاب برآن باور دارد.

۵. درخواست شجاعانه - بدون اضطراب، آنچه را می‌خواهید روشن و مستقیم طلب کنید.

۶. حرف زدن بدون عذرخواهی مفرط - گفتگو را با «من نیاز دارم...» شروع کنید، نه با «بخشید مزاحم شدم...».

۷. پذیرش خود (با تمام نقص‌ها) - خشم و قاطعیت را در خود سرکوب





نکنید؛ آن‌ها را بپذیرید و به جسارتی حساب‌شده تبدیلشان کنید.

۸. **تمرین‌های روزانه** - مثل تمرین شورش کوچک؛ یک روز بدون نگرانی از قضاوت دیگران لباس بپوشید، یا در جمع سکوت نکنید و اولین فکری که به ذهنتان رسید، بگویید.

روز اول: در یک شرایط ساده (مثل سفارش غذا در رستوران)، درخواستی خاص بکنید که قبلاً نمی‌کردید.

روز پنجم: به کسی «نه» بگویید و پس از آن، ده دقیقه احساس گناه را بدون قضاوت کردن، فقط تماشا کنید.

روز دوازدهم: مرز شخصی‌ای را که قبلاً پنهان می‌کردید، با آرامش به اطرافیانتان اعلام کنید.

روز بیستم: در جمعی که معمولاً سکوت می‌کنید، اولین جمله را شما بگویید، حتی اگر با لکنت همراه باشد.

روز سی‌ام: نامه‌ای به خودتان بنویسید و در آن بنویسید که دیگر از خوب بودنِ افراطیِ خداحافظی می‌کنید.

هیچ کتابی بی‌عیب نیست. بعضی از خوانندگان ایرانی گفته‌اند که برخی مثال‌های کتاب با فرهنگ جمع‌گرای شرقی هماهنگ نیست. در فرهنگ ما، «نه» گفتن صریح گاهی بی‌احترامی محسوب می‌شود. خود نویسنده هم در پایان اشاره می‌کند که هدف، تبدیل شدن به آدمی بی‌احساس نیست، بلکه یادگیری نه گفتن هوشمندانه

هم داستان‌های واقعی از زندگی آدم‌های مختلف را روایت می‌کند، هم تمرین‌های عملی ارائه می‌دهد و هم تحلیل‌های روان‌شناختی قابل‌فهمی دارد.

اگر همیشه در حال راضی نگه داشتن دیگران هستید و دیگر جایی برای خودتان نمانده، این کتاب را ورق بزنید. شاید اولین «نه» جانانه زندگی‌تان را مدیون آن باشید. و شاید برای اولین بار، بدون آن‌که وجدانتان عذاب بدهد، فقط و فقط خود واقعی‌تان باشید.

و مودبانه است. پس بهتر است این کتاب را با نگاهی نقادانه و متناسب با فرهنگ خودمان بخوانید.

از خوب خسته تا خود اصیل

کتاب **خوب نباش، کافی‌ست خودت باشی**، برای همه آدم‌هایی نوشته شده که حس می‌کنند خوب بودن جانشان را به لب رسانده؛ کسانی که همیشه برای دیگران انرژی می‌گذارند و چیزی برای خودشان باقی نمی‌ماند. این کتاب نقش یک درمانگر را دارد:





مؤلفه‌های تأثیرگذار بر به‌کارگیری داده‌های اطلاعاتی با تأکید بر مدیریت دانش



به قلم فاطمه بصیری
دانشجوی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند

را جمع کنیم، ذخیره کنیم، سریع به آن‌ها دسترسی پیدا کنیم و پردازششان کنیم. اگر این ابزارها خوب نباشند، مثل این است که بخواهیم با یک چاقوی کند، میوه خرد کنیم؛ خیلی سخت و کند پیش می‌رود.

۱. کامپیوترها و اینترنت خوب (فناوری):

فکر کنید یک آشپزخانه مجهز دارید. کامپیوترها، اینترنت پرسرعت و برنامه‌های کامپیوتری مثل همان ابزارهای آشپزخانه هستند. این‌ها به ما کمک می‌کنند تا اطلاعات

راز موفقیت سازمان‌ها: چطور از اطلاعات و دانش استفاده کنیم؟

چرا اطلاعات مهم هستند؟

امروزه در هر سازمانی، اطلاعات مثل خون در رگ‌ها هستند. بدون اطلاعات درست، سازمان نمی‌تواند خوب کار کند یا پیشرفت کند. ما کلی اطلاعات داریم، اما مهم این است که بتوانیم این اطلاعات را بفهمیم و از آن‌ها برای کارهای بهتر استفاده کنیم. «مدیریت دانش» یعنی همین؛ یعنی بفهمیم چطور اطلاعات را جمع کنیم، یاد بگیریم و از آن‌ها برای تصمیم‌های درست استفاده کنیم. بیایید ببینیم چه چیزهایی کمک می‌کنند تا ما بتوانیم از اطلاعاتمان بهتر استفاده کنیم.

چه چیزهایی به ما کمک می‌کنند تا اطلاعات را بهتر بفهمیم و استفاده کنیم؟

برای اینکه بتوانیم از اطلاعاتمان بهترین استفاده را ببریم، چند چیز مهم باید کنار هم باشند:



۲. آدم‌های ماهر (کارکنان):

فقط داشتن ابزار کافی نیست. باید کسانی باشند که بلدند چطور از این ابزارها استفاده کنند. کارکنان باید بتوانند اطلاعات را بفهمند، تحلیل کنند و بگویند که این اطلاعات چه معنایی دارند. این مثل این است که یک آشپز ماهر داشته باشیم که بداند چطور با ابزارهای خوب، غذای خوشمزه بپزد. سازمان‌ها باید به کارکنانشان یاد بدهند که چطور با اطلاعات کار کنند.

۳. قانون و روش‌های مشخص (فرآیندها و سیاست‌ها):

باید بدانیم که هر کس چه اطلاعاتی را می‌تواند ببیند و چطور باید از آن‌ها استفاده کند. این مثل قانون‌های رانندگی است؛ همه باید بدانند چطور رانندگی کنند تا تصادف نشود. داشتن قانون‌های روشن برای استفاده از اطلاعات، جلوی اشتباهات را می‌گیرد و کمک می‌کند همه بدانند وظیفه‌شان چیست.

۴. دانش و تجربه (مدیریت دانش):

این بخش یعنی بفهمیم که چه چیزهایی یاد گرفته‌ایم و چطور می‌توانیم این یادگرفته‌ها را با دیگران هم در میان بگذاریم. مثلاً اگر یک مشکلی قبلاً پیش آمده و راه‌حلی برایش پیدا شده، باید این راه‌حل را ثبت کنیم تا اگر دوباره پیش آمد، همه بدانند چکار کنند. این کار باعث می‌شود سازمان همیشه در حال یادگیری و بهتر شدن باشد.

۵. جو خوب در سازمان (فرهنگ سازمانی):

اگر در یک سازمان، همه از اینکه چیزهای جدید یاد بگیرند و ایده‌هایشان را بگویند، خوشحال باشند و به اطلاعات اهمیت بدهند، آن وقت همه چیز خیلی بهتر پیش می‌رود. اگر کارکنان حس کنند که حرفشان شنیده می‌شود و از ایده‌هایشان استقبال می‌شود، بیشتر تلاش می‌کنند تا اطلاعات را به کار ببرند.

پیشنهادهایی برای سازمان‌ها (تا کارها بهتر انجام شود)

یک نقشه راه درست کنیم: دقیقاً مشخص کنیم که چه اطلاعاتی لازم داریم و چطور می‌خواهیم از آن‌ها استفاده کنیم.

روی تکنولوژی و آموزش کارکنان سرمایه‌گذاری کنیم: بهترین ابزارها را بخریم و به کارکنان یاد بدهیم چطور با آن‌ها کار کنند.

کسانی که اطلاعات را خوب استفاده می‌کنند، تشویق کنیم: این کار باعث می‌شود دیگران هم تشویق شوند.

جایی برای یادگیری و به اشتراک گذاشتن دانش درست کنیم: مثلاً جلساتی بگذاریم تا همه تجربه‌هایشان را بگویند.

فرهنگ پرسیدن و یادگیری را در سازمان تقویت کنیم: همه را تشویق کنیم که سوال بپرسند و دنبال جواب در اطلاعات بگردند.

با هم کار کردن همه چیز را بهتر می‌کند!

برای اینکه بتوانیم از اطلاعات بهترین استفاده را ببریم، همه چیزهایی که گفتیم باید با هم کار کنند. تکنولوژی، آدم‌های ماهر، قانون‌های درست، یاد گرفتن تجربه‌ها و یک جو خوب در سازمان؛ همه این‌ها مثل قطعات یک پازل هستند که وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، سازمان را قوی و موفق می‌کنند. مدیریت دانش کمک می‌کند تا همه این قطعات به خوبی با هم هماهنگ شوند و سازمان بتواند با هوشمندی بیشتری پیش برود.

منبع:



چرا کتابخانه‌های تخصصی ما هنوز سنتی می‌مانند؟



به قلم سارا نوری
دانشجوی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند



اگر روزی از کتابداری بپرسید کتابخانه تخصصی یعنی چه؟ حتماً خواهد گفت: خدمت به گروه خاص، با منابع خاص. اما اگر بپرسید پس چرا جست‌وجوی شما از گوگل عقب‌تر است؟ مکتبی خواهد کرد. شاید هم لیخند بزند؛ از سرِ ناچاری.

آنچه پژوهش گفت

به نقل از انجمن کتابداران آمریکا و پژوهش‌های پیشین در ایران (نعمت‌اللهی، قنادی نژاد، باقری و دیگران)، کتابخانه‌های تخصصی ایران هنوز با همان دردهای کهنه دست‌وپنجه نرم می‌کنند:

بودجه که هیچ، زیرساخت فناوری اطلاعات هم لنگ می‌زند.

استانداردها را فراموش کنید.

نیروی انسانی؟ اگر پیدا شود، بودجه‌ای برای آموزشش نیست.

هوش مصنوعی می‌تواند ناجی باشد، اما تا مدیر نخواهد و پول نباشد، فقط یک رؤیای دور و دست‌نیافتنی خواهد ماند. کتابخانه آستان قدس، کتابخانه





شاید روزی، کسی بالاخره برود سراغ این محاسبه.

و سخن آخر

هوش مصنوعی دیگر یک اضافه نیست، یک باید است. اگر امروز گوشمان را به رویش ببندیم، فردا کاربرانمان گوششان را به روی ما خواهند بست. آن وقت می‌روند سراغ چت‌جی‌پی‌تی و بینگ و پلکسیتی و ما، با کتابخانه‌های تخصصی‌مان، تنها خواهیم ماند. همان‌طور که همیشه ترسش را داشتیم. تنها



منبع:

این آینه را بشکنیم یا به دیوار بیاویزیم؟

و اما نقدی از جنس تأمل

مقاله در پایان راهکارهایی پیشنهاد کرده: تأمین منابع مالی، توسعه زیرساخت ابری، آموزش.

اما...

آیا این حرف‌ها را قبلاً نشنیده‌ایم؟ بارها نگفته‌اند که بودجه نمی‌دهند؟ بارها گلایه نکرده‌ایم که آموزش نداریم؟

پرسش اینجاست: چه کسی باید اولین قدم را بردارد؟

مدیر؟ کتابدار؟ استاد؟ دانشجو؟

یا همه با هم منتظر بمانیم تا دیگری شروع کند؟

هزینه واقعی پیاده‌سازی هوش مصنوعی در یک کتابخانه متوسط ایران را کسی محاسبه نکرده است.

ملی، کتابخانه مجلس... بزرگان هنوز در ابتدای راه‌اند، چه برسد به بقیه. بیا بید تلخ اما صادق باشیم؛ مقایسه‌ای بین کتابخانه‌های تخصصی خارج از کشور و داخل ایران:

آن‌سوی آب، جست‌وجوی معنایی یک امر عادی است. کاربر جمله می‌نویسد و سیستم منظور او را می‌فهمد. اینجا اما یا نیست یا بسیار محدود است.

خدمات شخصی‌سازی‌شده در خارج باهوش مصنوعی انجام می‌شود؛ اینجا هنوز به سلیقه شخصی کتابدار وابسته است.

همکاری بین‌المللی آن‌ور روزمره و فعال است؛ اینجا تقریباً به صفر رسیده است.

و آخر از همه، در کتابخانه‌های خارجی یک متخصص هوش مصنوعی عضو ثابت تیم است. اینجا کجا بود؟ ندیدیمش.



وقتی همه چیز سریع شده، حوصله کجا رفت؟



به قلم امیرحسین خسروی چهکنند
دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند



قبلاً اگر می‌خواستی چیزی رو بفهمی یا یاد بگیری، واقعاً باید برایش وقت می‌داشتی. کتاب رو باید از اول تا آخر می‌خوندی، کلاس‌ها طولانی‌تر و حوصله‌برتر بودن و برای رسیدن به جواب یک سوال ساده هم شاید مجبور بودی از چند نفر پرسشی یا چند منبع رو نگاه کنی. یعنی همه‌چیز یه روند آهسته داشت و همین آهسته بودن، یه جور تمرکز هم با خودش می‌آورد.

ولی الان تقریباً همه‌چیز برعکس شده. برای هر سوالی چند ثانیه بیشتر فاصله نداریم. با یک سرچ ساده جواب میاد، ویدیوها پشت سر هم میان، پیام‌ها لحظه‌ای رد و بدل می‌شن و حتی محتواها طوری طراحی شدن که سریع جذب کنن و سریع هم رد بشن. ما هم کم‌کم به همین ریتم عادت کردیم، بدون اینکه خیلی متوجهش بشیم.

نکته جالب اینجاست که ما فکر می‌کنیم فقط زمان سریع‌تر شده، در حالی که انگار خودمون هم سریع‌تر شده‌ایم. نه از نظر حرکت فیزیکی، بلکه از نظر تحمل کردن. یعنی دیگه کمتر می‌تونیم با چیزهایی که کند پیش می‌رن کنار





چیزها فقط از جلوی چشممون رد بشن، بدون اینکه واقعاً توی ذهنمون جا بگیرن. این سرعت حتی وارد تصمیم‌گیری‌هامون هم شده. خیلی وقت‌ها سریع انتخاب می‌کنیم، سریع نظر می‌دیم و سریع رد می‌شیم، بدون اینکه زمان کافی برای فکر کردن بذاریم. انگار عجله تبدیل شده به حالت پیش‌فرض زندگی. با این حال، شاید مسئله این نباشه که حوصله کاملاً از بین رفته. شاید بیشتر این باشه که کمتر ازش استفاده می‌کنیم. کمتر بهش فرصت می‌دیم فعال بشه. چون همیشه یک گزینه سریع‌تر وجود داره. در نهایت شاید لازم نباشه با این سرعت بجنگیم یا برگردیم به گذشته، ولی شاید لازم باشه گاهی عمداً ازش فاصله بگیریم. بعضی وقت‌ها یک ویدیو رو کامل ببینیم، یک متن رو وسطش رها نکنیم، یا یک فکر رو تا آخر دنبال کنیم، حتی اگر زمان بیشتری بخواد.

چون بعضی چیزها فقط وقتی فهمیده می‌شن که ما عجله نداشته باشیم.



پشت سرهم و محتوایی که قرار نیست ما رو نگه داره، بلکه قراره سریع رد بشیم و بریم بعدی. این سرعت، به مرور روی ذهن ما هم اثر گذاشته و باعث شده مغزمون



بیاییم. اگر یک محتوا از همون اول جذاب نباشه، راحت ردش می‌کنیم. اگر یک موضوع نیاز به فکر کردن داشته باشه، سریع می‌ریم سراغ یک چیز ساده‌تر. حتی بعضی

هم همین الگو رو یاد بگیره. اما مشکل اینجاست که همه‌چیز در زندگی واقعاً سریع فهمیده نمی‌شه. بعضی چیزها ذاتاً نیاز به مکث دارن. مثلاً یک مفهوم پیچیده، یک کتاب خوب یا حتی یه فکر عمیق، بدون زمان گذاشتن قابل درک کامل نیست. ولی وقتی عادت می‌کنیم سریع رد بشیم، این جور چیزها کمتر توی زندگی‌مون جا می‌گیرن. از یک طرف دیگه، ما امروز بیشتر از هر زمان دیگه‌ای با اطلاعات درگیر هستیم. هر روز کلی چیز می‌بینیم، می‌خونیم و ذخیره می‌کنیم، ولی خیلی وقت‌ها فرصت نمی‌کنیم واقعاً باهاشون درگیر بشیم. یعنی اطلاعات زیاد داریم، اما مکث کم داریم. و همین باعث می‌شه خیلی

وقت‌ها قبل از اینکه یک موضوع کامل تموم بشه، ذهنمون ازش جدا می‌شه.

این تغییر کم‌کم یک چیز مهم رو عوض کرده: حوصله. نه اینکه کلاً از بین رفته باشه، ولی انگار شکلش عوض شده. قبلاً حوصله یعنی اینکه می‌تونستی برای یک کار زمان بذاری، حتی اگر سخت یا طولانی بود. الان بیشتر تبدیل شده به اینکه فقط چیزهایی رو ادامه بدیم که سریع نتیجه می‌دن یا سریع ما رو سرگرم می‌کنن. این موضوع یک دلیل مهم هم داره و اون هم سبک زندگی دیجیتال ماست. تقریباً همه‌چیز طوری طراحی شده که سریع باشه؛ ویدیوهای کوتاه، پاسخ‌های فوری، نوتیفیکیشن‌های



نامی ماندگار در کتابداری ایران: شیرین تعاونی

کتابخانه‌ها از جمله عواملی بود که به گسترش کتابداری در ایران یاری رساند.

علاوه بر فعالیت‌های تخصصی در حوزه کتابداری، شیرین تعاونی در زمینه ترجمه نیز فعالیت داشت و آثار متعددی از نویسندگان برجسته جهان را به زبان فارسی برگرداند. از جمله ترجمه‌های او می‌توان به کتاب تکنیک برشت و آثاری مانند

مرجع مورد استفاده کتابداران، پژوهشگران و دانشجویان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی قرار گرفته است.

تلاش‌های علمی شیرین تعاونی در زمینه استانداردسازی فعالیت‌های کتابخانه‌ای، به بهبود شیوه‌های مدیریت و ارائه خدمات در کتابخانه‌ها کمک کرد. توجه او به اصول سازماندهی اطلاعات و تجهیز

شیرین تعاونی از چهره‌های شناخته‌شده و تأثیرگذار در حوزه کتابداری و علم اطلاعات در ایران بود. فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای او، به‌ویژه در زمینه تدوین و ترویج استانداردهای کتابخانه‌ای، نقش مهمی در پیشرفت خدمات کتابخانه‌ها در کشور داشت. آثار و پژوهش‌های او در حوزه‌هایی مانند سازماندهی منابع و تجهیزات کتابخانه‌ای، سال‌ها به‌عنوان منابع

آخرین غول نوشته اسکات فیتزجرالد، زرد کرومی از آلدوس هاکسلی، آقای کبوتر و بانو نوشته کاترین منسفیلد، آنسوی حریم فرشتگان از ادوارد مورگان فورستر، بالا بلندتر از هر بلند بالایی اثر جی. دی. سلینجر، شری از سیدونی گابریل کولت و سرانجام به نمایش چیست نوشته مارتین اسلین اشاره کرد.

او همچنین در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران فعالیت داشت و حضور علمی او در این مجموعه به افزایش و پیشرفت دانش کتابداری در کشور کمک کرد. فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی شیرین تعاونی جایگاه ویژه‌ای در میان جامعه کتابداری برای او ایجاد کرد.

آثار علمی و ترجمه‌های ارزشمند شیرین تعاونی همچنان در میان کتابداران و دانشجویان حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و نام او به‌عنوان یکی از چهره‌های اثرگذار این حوزه در ایران باقی خواهد ماند.



کاغذ اخبار

جدید، ارجاعات و نقل قول‌های افراد واقعی را به در دسترس کشانده و پای آنها را به دادگاه‌ها باز کرده است. مایکروسافت مدعی است «عامل حقوقی» اکنون در برنامه «فرانتیرز» از طریق «کوپایلو» در ورد برای کاربران آمریکایی قابل دسترسی است. به نظر نمی‌رسد اپی جداگانه برای این کار وجود

قراردادها را بازبینی کند، اصلاحات پیشنهاد دهد، نسخه‌های مختلف را بررسی کند و بندهای پر ریسک در نرم افزار ورد را برجسب بزند.

این ویژگی‌ها روی کاغذ بسیار مفید و جالب هستند اما قبلاً نمونه‌های توهم ابزارهای هوش مصنوعی مولد و اختراع یک پرونده

هوش مصنوعی در اورژانس بهتر از پزشک عمل می‌کند

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از تک کرانچ، تحقیقی که در دانشکده پزشکی هاروارد و یک مرکز پزشکی مرتبط انجام شده، عملکرد مدل‌های هوش مصنوعی اوپن‌ای‌آی (۴۰ و ۵۱) را با پزشکان متخصص در بخش اورژانس مقایسه کرده است. در این مطالعه که روی ۷۶ بیمار اورژانسی انجام شد، مدل ۵۱ در حدود ۶۷ درصد موارد مرحله تریاژ (اولین مرحله تشخیص با اطلاعات محدود) تشخیص دقیق یا بسیار نزدیک به واقعیت ارائه کرد، در حالی که پزشکان در ۵۵ درصد موارد چنین دقتی داشتند. مدل هوش مصنوعی دیگر (۴۰) نیز در ۵۰ درصد موارد تشخیصی دقیق بود. ارزیابی‌ها به صورت کور و بدون پردازش پیشین داده‌ها صورت گرفت.

محققان تأکید کرده‌اند که، هدف این پژوهش نشان دادن نیاز به آزمایش‌های بیشتر برای سنجش هوش مصنوعی در شرایط واقعی مراقبت از بیماران است، نه آماده بودن این فناوری برای تصمیم‌گیری‌های حیاتی در اورژانس.

مایکروسافت ورد به وکلا مشاوره حقوقی می‌دهد

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از دیجیتال ترندز، عامل هوش مصنوعی حقوقی جدید می‌تواند





مواجه شد؛ به طوری که مدیرعامل یوتیوب به مایکروسافت هشدار داد از ویدئوهای یوتیوب برای آموزش الگوریتم خود استفاده نکند. این هوش مصنوعی که از اواخر سال گذشته به طور گسترده در دسترس کاربران قرار گرفته، در حال حاضر با رقبایی مانند مدل Veo۳ گوگل که امکانات پیشرفته‌تری دارد، رقابت می‌کند.

منابع:



Creator» را معرفی کرده که با استفاده از هوش مصنوعی «سورا» متعلق به اوپن‌ای‌آی، بر اساس متن‌های نوشتاری، کلیپ‌های کوتاه ویدئویی تولید می‌کند. این ویژگی به صورت رایگان در نسخه موبایل بینگ عرضه شده و قرار است در آینده برای دسکتاپ و قابلیت «جستجوی کوپایلت» نیز فعال شود.

مایکروسافت که میلیاردها دلار در توسعه هوش مصنوعی اوپن‌ای‌آی سرمایه‌گذاری کرده، پیش‌تر قابلیت تولید تصویر DALL-E را در موتور جستجوی خود قرار داده بود و اکنون با این ابزار ویدئوسازی سورا، مسیر توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی خود را ادامه می‌دهد. با این حال، مدل سورا در شروع کار با چالش‌هایی

داشته باشد یا نیازی به نصب آن باشد، هرچند برخی کاربران احتمالاً باید قبل از ظاهر شدن عامل هوش مصنوعی «ورد» را ری استارت کنند.

عامل حقوقی برای بررسی قراردادها و اسناد به کار می‌رود. مایکروسافت می‌تواند بندهای قرارداد را براساس قانون کنترل، یک توافقنامه را به طور کامل بررسی و نسخه‌های متفاوت را مقایسه کند و ریسک‌ها و مسئولیت‌ها را هشدار دهد.

موتور جستجوی «بینگ» ویدئو می‌سازد

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از انگجت، مایکروسافت قابلیت جدیدی به نام «Bing Video»

قدرت داده و بحران حریم خصوصی



به قلم زهرا آراسته
دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند

می‌کند که هر کدام از زاویه‌ای متفاوت با موضوع سوءاستفاده از داده‌ها درگیر شده‌اند. محور اصلی مستند، ماجرای شرکت معروف و جنجالی کمبریج آنالیتیکاست؛ شرکتی که با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های میلیون‌ها کاربر در کمپین‌های سیاسی و انتخاباتی نقش‌آفرینی کرده است.

این مستند نشان می‌دهد چگونه این شرکت با استفاده از اطلاعات

افکار و دست‌کاری تصمیم‌های ما تبدیل شوند.

این مستند بیش از آنکه فقط یک فیلم باشد، نوعی هشدار است؛ هشدار درباره اینکه داده‌های شخصی ما چگونه به کالا تبدیل می‌شوند و چگونه شرکت‌ها، کمپین‌های سیاسی و سازمان‌های مختلف، از آن‌ها برای تأثیرگذاری بر رفتار ما استفاده می‌کنند. هک بزرگ داستان چند نفر را روایت

این روزها تقریباً همه ما در شبکه‌های اجتماعی فعال هستیم؛ از اینستاگرام و تلگرام گرفته تا توئیتر و فیس‌بوک. هر روز پست می‌گذاریم، لایک می‌کنیم، نظر می‌دهیم و تصور می‌کنیم این‌ها فقط فعالیت‌هایی معمولی و سرگرم‌کننده‌اند. اما مستند هک بزرگ (The Great Hack) به ما نشان می‌دهد که این فعالیت‌های ظاهراً ساده چگونه می‌توانند به ابزاری برای کنترل ذهن، جهت‌دهی





جهت مشخص هدایت شود.

این روند باعث می‌شود دو نفر که در یک کشور و حتی در یک شهر زندگی می‌کنند، پیام‌های کاملاً متفاوتی در شبکه‌های اجتماعی ببینند، بدون آنکه بدانند این پیام‌ها به طور ویژه برای آن‌ها طراحی شده است.

هک بزرگ به طور غیرمستقیم این پیام را می‌دهد که، آموزش و تقویت سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای دیگر یک انتخاب تجملی نیست، بلکه یک ضرورت اجتماعی است. تنها در این صورت است که کاربران می‌توانند نسبت به داده‌ها، پیام‌ها و محتوایی که هر روز مصرف می‌کنند نگاه انتقادی و آگاهانه داشته باشند.

این مستند نشان می‌دهد وقتی داده‌ها در اختیار سازمان‌هایی قرار می‌گیرد که فقط به منافع خود فکر می‌کنند و هیچ شفافیتی در عملکردشان وجود ندارد، چه

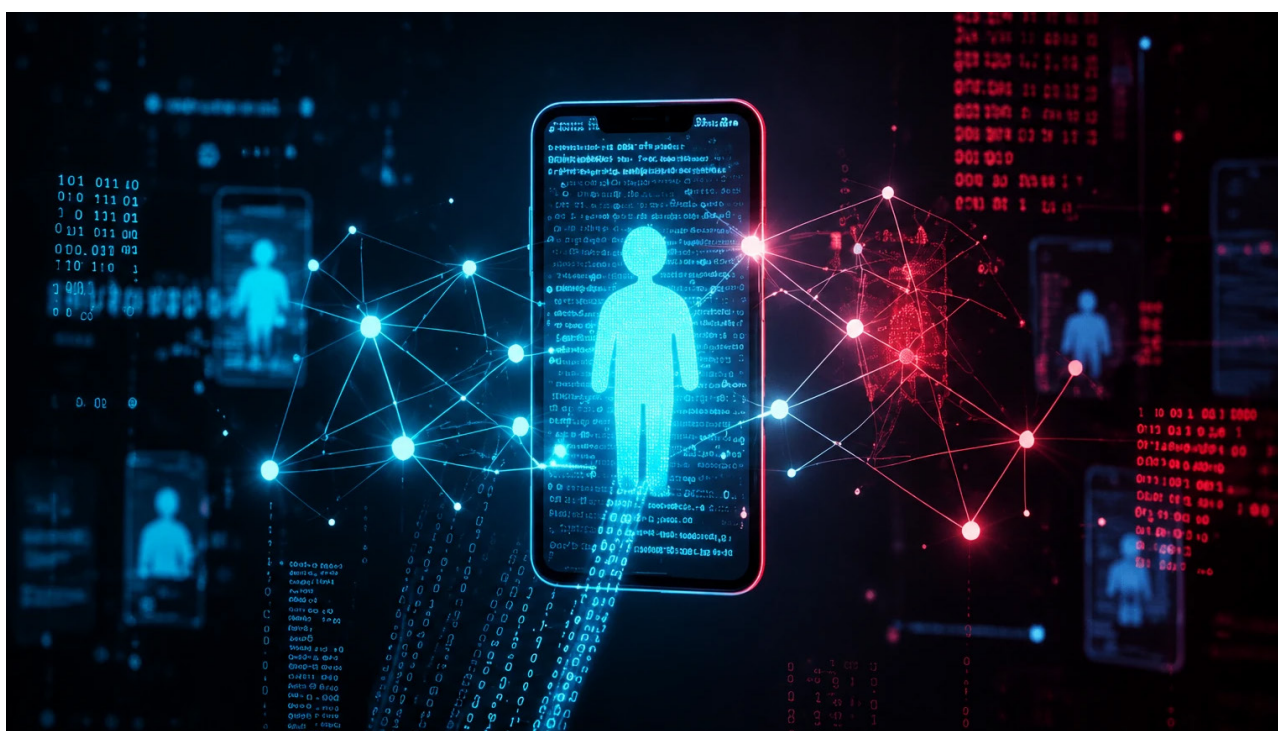
یکی از نکات مهم مستند این است که، حریم خصوصی دیگر مانند گذشته تضمین‌شده نیست. بسیاری از کاربران فکر می‌کنند اگر چیزی را خودشان منتشر نکنند، اطلاعاتشان محفوظ می‌ماند. اما این مستند نشان می‌دهد که حتی بدون آگاهی مستقیم ما، حجم زیادی از داده‌هایمان از طریق اپلیکیشن‌ها، آزمون‌های ظاهراً سرگرم‌کننده، فرم‌ها و تنظیمات پیش‌فرض شبکه‌های اجتماعی جمع‌آوری می‌شود.

یکی از بخش‌های تأثیرگذار مستند زمانی است که نشان می‌دهد چگونه داده‌ها برای راه‌اندازی جنگ نرم اطلاعاتی به کار گرفته می‌شوند. در این فرایند ابتدا داده‌های افراد جمع‌آوری و تحلیل می‌شود، سپس کسانی که بیشترین قابلیت تأثیرپذیری را دارند شناسایی می‌شوند. بعد پیام‌های خاصی فقط به همان افراد نمایش داده می‌شود، تا ذهن آن‌ها در یک

شخصی کاربران شبکه‌های اجتماعی، پروفایل‌های روان‌شناختی از آن‌ها ساخته و بر اساس این تحلیل‌ها پیام‌های تبلیغاتی هدفمند و دقیقی طراحی کرده است. هدف از این کار، جهت‌دهی به افکار، احساسات و حتی رأی مردم بوده است.

در گذشته منابعی مثل نفت، طلا و زمین مهم‌ترین دارایی‌ها بودند، اما امروزه داده و اطلاعات شخصی ما ارزشمندترین سرمایه برای شرکت‌ها و سازمان‌هاست. هر کلیک، هر لایک، هر جست‌وجو و حتی مدت‌زمانی که روی یک پست توقف می‌کنیم می‌تواند نشانه‌ای از علایق، نگرانی‌ها، علاقه‌مندی‌ها و گرایش‌های ما باشد. هک بزرگ نشان می‌دهد که این نوع داده‌ها دیگر فقط برای تبلیغ کالا استفاده نمی‌شود، بلکه در سطحی بالاتر برای تبلیغات سیاسی، تغییر نگرش‌ها و حتی تأثیرگذاری بر نتیجه انتخابات به کار گرفته می‌شود.





ما، رفتارهای آنلاین ما و حتی سکوت یا فعالیت ما در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به منبعی برای شناخت، تحلیل و هدایت ما تبدیل شود. این مستند به ما یادآوری می‌کند که اگر مراقب نباشیم، ممکن است به تدریج از کاربر به محصول تبدیل شویم؛ محصولی که داده‌هایش خود او را هدف قرار می‌دهد.

علاقه دارند، مورد توجه باشد. هک بزرگ شاید به بعضی‌ها احساس نگرانی بدهد، اما در عین حال می‌تواند نقطه شروعی برای طرح پرسش‌ها و گفت‌وگوهای جدی درباره آینده دنیای دیجیتال و نقش ما در آن باشد. در نهایت، هک بزرگ تنها یک مستند درباره یک رسوایی تکنولوژیک نیست؛ بلکه روایتی است از دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم. دنیایی که در آن داده‌های

پیامدهایی می‌تواند برای اعتماد عمومی و حریم خصوصی افراد داشته باشد.

این مستند می‌تواند برای دانشجویانی که می‌خواهند بفهمند داده‌ها در دنیای امروز چه نقشی دارند، برای کاربران عادی شبکه‌های اجتماعی که می‌خواهند آگاهانه‌تر از فضای مجازی استفاده کنند، و برای کسانی که به موضوعاتی مانند حریم خصوصی، رسانه، سواد اطلاعاتی و اخلاق در فضای دیجیتال





کاربردهای داده‌کاوی در علم اطلاعات



به قلم متین ترابی مقدم
دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه بیرجند



داده‌کاوی یعنی چه؟

داده‌کاوی یعنی از میان حجم انبوه داده‌هایی که روزمره با آن سروکار داریم، الگوها و دانشی مفید و قابل استفاده استخراج کنیم. تصور کنید در یک معدن طلا هستیم؛ سنگ‌های خام خودشان ارزش زیادی ندارند، اما با روش‌های درست می‌توانیم فلز گرانبها را از دل آنها بیرون بکشیم. داده‌کاوی هم دقیقاً همین کار را با داده‌ها انجام می‌دهد.

در ادامه ممکن است برای ما سوال پیش بیاید که داده کاوی چگونه کار میکند. فرآیند داده‌کاوی شبیه آشپزی یک غذای پیچیده است. اول باید مواد اولیه را از جاهای مختلف جمع کنیم (پایگاه‌های داده، فایل‌ها، وب). بعد آنها را پاکیزه کنیم، یعنی خطاها و مواد اضافه را حذف کنیم و داده‌های ناقص را کنار بگذاریم. سپس داده‌ها را به فرمت یکسانی درمی‌آوریم تا قابل تحلیل شوند. بعد نوبت به قلب کار می‌رسد: اجرای الگوریتم‌هایی مثل خوشه‌بندی، طبقه‌بندی یا قوانین انجمنی. در انتها هم نتیجه را به

که یک داده جدید متعلق به کدام دسته است؛ مثل تشخیص ایمیل اسپم. روش پیش‌بینی، مثلاً برای برآورد قیمت فردای سهام به کار می‌رود و تشخیص ناهنجاری هم برای پیدا کردن موارد مشکوک مثل تراکنش‌های عجیب بانکی.

نکته جالب اینجاست که داده‌کاوی با آمار سنتی تفاوت دارد. آمار معمولاً یک فرضیه از قبل تعیین شده را بررسی می‌کند، اما داده‌کاوی خودش الگوهای ناشناخته را کشف می‌کند. بدون اینکه از قبل به

شکلی قابل درک مثل نمودار، جدول یا گزارش ساده ارائه می‌دهیم.

در مبحث کلیات روش‌های تحلیل در داده‌کاوی روش‌های مختلفی در داده‌کاوی داریم. روش قوانین انجمنی همان تحلیل معروف سبد خرید است که نشان می‌دهد مثلاً خریداران نان معمولاً کره هم می‌خرند. در روش خوشه‌بندی، داده‌ها را بدون دسته‌بندی از پیش تعیین شده بر اساس شباهتشان گروه‌بندی می‌کنیم. در طبقه‌بندی، از روی داده‌های قبلی یاد می‌گیریم

سیستم بگوییم دنبال چه بگردد، خودش متوجه می‌شود که مادرهای جوان اغلب پوشک و شیرخشک را همزمان می‌خرند.

در ادامه مبحث میرسیم به کاربرد اول داده‌کاوی یعنی تحلیل رفتار کاربران. یکی از کاربردهای مهم داده‌کاوی در حوزه علم اطلاعات، تحلیل رفتار کاربران است. این یعنی با بررسی کارهایی که کاربران در سایتها و اپلیکیشن‌ها انجام می‌دهند - مثل کلیک‌ها، زمان ماندن در صفحه، جستجوها و خریده‌ها - بتوانیم اقدام بعدی آنها را پیش‌بینی کنیم.

این تحلیل کاربردهای عملی زیادی دارد. مثلاً باعث شخصی‌سازی محتوا می‌شود؛ یعنی سرویس‌هایی مثل آپارات یا دیجی‌کالا بر اساس سلیقه هر کاربر به او پیشنهاد می‌دهند. همچنین در کشف تقلب به کار می‌رود، مثلاً اگر کسی از مکان عجیبی وارد حساب خود شده باشد، سیستم متوجه می‌شود. از طرفی با تحلیل گرمای کلیک‌ها («هیت‌مپ») می‌توان فهمید کاربران کدام دکمه را نمی‌بینند و طراحان جای آن را تغییر می‌دهند. حتی می‌توان کاهش ریزش کاربر را مدیریت کرد، مثلاً اگر سیستم ببیند بعضی کاربران خرید را رها می‌کنند، برایشان تخفیف بفرستد.

در توضیح کاربرد دوم باید بگوییم که: حوزه یا کاربرد دیگر، علم‌سنجی است؛ یعنی تحلیل داده‌های علمی مثل مقاله‌ها، مجلات و استنادات. در اینجا شاخص‌هایی مثل شاخص اچ (تأثیر یک پژوهشگر) یا ضریب تأثیر مجلات (میانگین استناد به مجله در دو سال) اهمیت دارند.

همچنین بررسی هم‌استنادی و هم‌نویسندگی می‌تواند شبکه‌های علمی پنهان را آشکار کند.

با کمک داده‌کاوی می‌توان روندهای داغ علمی را شناسایی کرد؛ مثلاً با تحلیل چکیده مقاله‌ها می‌فهمیم امروز چه موضوعاتی در جهان بیشتر مورد توجه است. همچنین پژوهشگر می‌تواند مجله مناسب برای چاپ مقاله خود را پیدا کند؛ آن هم براساس کلیدواژه‌های شغلی خود و مدت زمان داوری مجله. جالب‌تر اینکه خوشه‌بندی استنادها

(مثل افزایش مصرف برق قبل از طوفان) و الگوهای پرتکرار (مثل نمک و فلفل در دستورهای آشپزی).

این کشف الگو در عمل بسیار کاربردی است. در صنعت، اگر هر بار دمای کوره از حدی بالاتر برود و فشار هم پایین بیاید، می‌توان پیش‌بینی کرد که ده دقیقه بعد اکسیداسیون رخ می‌دهد. در بازاریابی، سوپرمارکت کشف می‌کند که شب مسابقه فوتبال، پوشک و آبجو با هم خرید می‌شوند. در بیمه هم مشخص می‌شود



نشان می‌دهد کدام موضوع علمی در آستانه تبدیل شدن به یک شاخه مستقل است. این یعنی عملاً می‌توان «مرزهای دانش» را رصد کرد.

سومین کاربرد مهم، کشف الگوهای پنهان است. اینجا دیگر فرضیه اولیه نداریم، بلکه می‌خواهیم رابطه‌های تکراری و معنادار را میان متغیرها پیدا کنیم. این الگوها انواع مختلفی دارند: الگوهای ترتیبی (مثل توالی علائم یک بیماری)، الگوهای انجمنی (همان سبد خرید)، الگوهای زمانی

که پرونده‌های خسارت با برگه دستنویس و مبلغ خاصی، هشتاد درصد احتمال تقلب دارند.

بیاید یک مثال ترکیبی بزنیم. فرض کنید یک اپلیکیشن موسیقی داریم. تحلیل رفتار کاربران نشان می‌دهد کسانی که صبح زود آهنگ شاد گوش می‌دهند، احتمالاً بعداً اشتراک می‌خرند. کشف الگو نشان می‌دهد که شنیدن لایلی قبل از نیمه‌شب باعث می‌شود کاربر کمتر دکمه «بعدی» را بزند. علم‌سنجی هم حکایت از آن دارد



که پژوهش‌های جدید در زمینه ارتباط ضربان قلب و تمپوی موسیقی رو به رشد است. با کنار هم قرار دادن این سه بینش، می‌توانیم خدمات خیلی بهتری به کاربران ارائه دهیم.

در آخر می‌توان گفت، داده‌کاوی در هر سه حوزه‌ای که گفتیم، مسیر رسیدن از داده خام به تصمیم هوشمند را هموار می‌کند. تحلیل رفتار کاربران به ما می‌گوید «در حال حاضر کاربر چه می‌کند؟». علم‌سنجی نشان می‌دهد «کدام مسیر علمی آینده دارد؟». و کشف الگو فاش می‌کند «چه رابطه پنهانی میان پدیده‌ها وجود دارد که تا حالا کسی متوجه نشده؟». در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، داده‌کاوی یک ابزار بسیار قدرتمند برای تبدیل انبوه داده‌ها به دانشی ارزشمند و عمل‌گرا است.

منبع:



خاستگاه دانش و اسناد نظامی در قلب مصر

- کتابخانه اسکندریه مصر، یکی از مهم‌ترین مراکز نگهداری اسناد و منابع تخصصی در حوزه تاریخ و مطالعات نظامی در جهان عرب به شمار می‌رود. این کتابخانه با هدف ایجاد نهادی منظم و کارآمد برای ثبت، حفاظت و انتشار دانش نظامی مصر تأسیس شده و امروز به‌عنوان یکی از مراکز معتبر پژوهشی برای محققان داخلی و بین‌المللی شناخته می‌شود.
- کتاب‌ها و منابع تخصصی در زمینه تاریخ نظامی، علوم دفاعی، فنون جنگ، استراتژی، مطالعات منطقه‌ای و تاریخ عمومی مصر
- اسناد و آرشیوهای تاریخی شامل گزارش‌های رسمی، مکاتبات نظامی، نقشه‌های عملیاتی و اسناد مرتبط با تحولات سیاسی - نظامی
- گسترده‌گی منابع موجود سبب شده است که کتابخانه عسگریه یکی از مکان‌های مرجع برای پژوهشگران دانشگاهی، مراکز مطالعاتی و رسانه‌های تخصصی باشد.
- ساختار و امکانات
- نسخه‌های کمیاب و نایاب که برخی از آن‌ها مربوط به دوران جنگ‌های قرن نوزدهم و بیستم مصر و جهان عرب است
- مجلات و نشریات نظامی که در دوره‌های مختلف منتشر شده و امروز به‌عنوان منابع مهم تاریخی ارزش بالایی دارند
- سالن مطالعه بزرگ برای پژوهشگران
- مخازن استاندارد با کنترل دما و رطوبت برای حفظ اسناد تاریخی
- پایه‌های شکل‌گیری این کتابخانه به تلاش نیروهای مسلح مصر برای ساماندهی به اسناد و منابع گسترده نظامی بازمی‌گردد. با گسترش فعالیت‌های پژوهشی در حوزه تاریخ نظامی، نیاز به مرکزی رسمی و مجهز برای نگهداری و دسته‌بندی منابع احساس شد. بر همین اساس، کتابخانه عسگریه به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از ساختار فرهنگی و پژوهشی ارتش مصر ایجاد گردید.
- هدف اصلی از تأسیس این مجموعه، حفظ اسناد تاریخی، گردآوری منابع مکتوب و فراهم کردن امکان مطالعات علمی برای پژوهشگران و افسران و نیز علاقه‌مندان تاریخ نظامی بود.

مجموعه و منابع کتابخانه

کتابخانه اسکندریه از نظر غنای منابع یکی از مجموعه‌های قابل توجه کشور محسوب می‌شود. این مجموعه شامل:





- بخش نسخه‌های خطی و کمیاب
- واحد دیجیتال‌سازی اسناد
- بخش نشریات و مجلات ادواری
- مخزن نقشه‌ها و اسناد تصویری
- بخش امانت و خدمات اطلاع‌رسانی
- گردهمایی‌های علمی برگزارکننده نمایشگاه‌های اسناد تاریخی
- پشتیبان انتشار پژوهش‌های نظامی و تاریخی در قالب کتاب و مقاله
- مرجع مطالعاتی برای افسران شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی ارتش
- آغاز کرده است. در این طرح، بخشی از کتاب‌ها، نقشه‌ها و اسناد تاریخی وارد پایگاه داده دیجیتال شده و پژوهشگران می‌توانند از طریق سیستم‌های داخلی کتابخانه به آن‌ها دسترسی یابند.
- این اقدام نقش مهمی در جلوگیری از فرسودگی منابع اصلی و افزایش دسترسی پژوهشگران داشته است.
- شکل ۱۴. کتابخانه اسکندریه مصر

نقش علمی و فرهنگی

تلاش این مجموعه در معرفی میراث نظامی مصر، آن را به یکی از نهادهای مهم فرهنگی و پژوهشی کشور تبدیل کرده است.

جایگاه در میان کتابخانه‌های تخصصی جهان

اگرچه کتابخانه اسکندریه در مقایسه با کتابخانه‌های عظیم

کتابخانه اسکندریه تنها مکانی برای نگهداری منابع نیست؛ بلکه مرکز فعالی در حوزه تاریخ و فرهنگ نظامی به شمار می‌آید. این کتابخانه به‌طور منظم:

- میزبان نشست‌ها و

این کتابخانه به تجهیزات مدرن مدیریت اطلاعات و نرم‌افزارهای آرشیوی مجهز است تا دسته‌بندی و بازیابی اطلاعات با سرعت و دقت بیشتری انجام گیرد.

روند دیجیتال‌سازی و خدمات نوین

در سال‌های اخیر، کتابخانه عسگریه همگام با تحولات جهانی، برنامه‌ای گسترده برای دیجیتال‌سازی اسناد



دسترسی علمی است.

دسترسی و مخاطبان

کتابخانه اسکندریه به‌طور عمده برای پژوهشگران مورد تأیید، اعضای نیروهای مسلح، دانشجویان رشته‌های مرتبط و متخصصان

ملی جهان از نظر وسعت فیزیکی کوچک‌تر است، اما از نظر اهمیت موضوعی، غنای اسناد نظامی، و نقش کلیدی در پژوهش‌های دفاعی جایگاهی ویژه دارد. در جهان عرب، این مجموعه یکی از محدود آرشیوهای نظامی سازمان‌یافته با

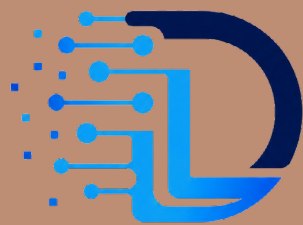
تاریخ نظامی قابل استفاده است. دسترسی به برخی بخش‌ها، به‌ویژه اسناد طبقه‌بندی‌شده، محدود و تحت نظارت انجام می‌شود. با این حال، بخش عمومی کتابخانه در اختیار محققان دانشگاهی و علاقه‌مندان تاریخ قرار دارد.

منبع:





پردیس علوم رفتاری
آکادمی تخصصی روانشناسی



DataLine

— CONNECTING DATA. POWERING FUTURES. —

انجمن علمی علم اطلاعات و دانش‌شناسی



ارتباط با ما: @data_line۲۲

دیتالاین، آینده آنلاین